

نکات مربوط به اپیزود سوم فصل شش

سریال بازی تاج و تخت

تهیه شده در تیم پادکست سایت وستروس

www.westeros.ir



عنوان سریال به کنار کشیدن جان اسنو و شکستن عهدش نسبت به نگهبانان شب و همچنین شکستن عهد وفاداری خاندان آمبر نسبت به استارک‌ها اشاره دارد.

بخش اول : میرین و آینده دنریس



ویس دوتراکی پس از فصل دوم دوباره به مجموعه تلویزیونی و تیتراژ سریال بازگشت.



کاهنه اعظم دوش کالین می گوید که دنریس را از زمانی که قلب نریان را در فصل اول قسمت ششم «تاج طلایی» خورد، به یاد می آورد

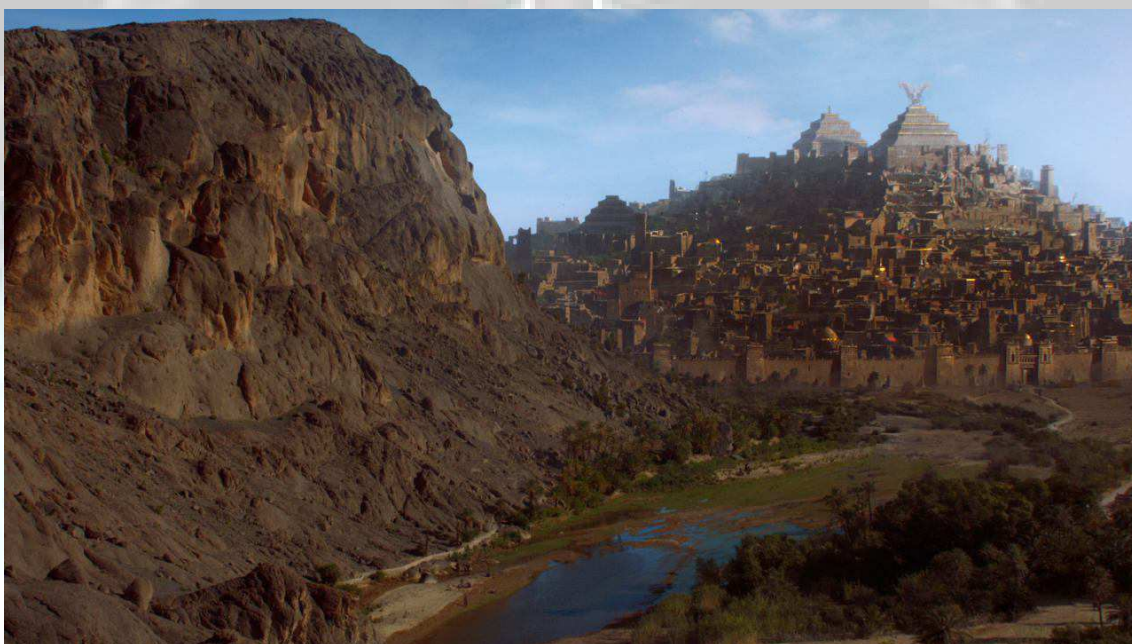


توطئه ای از طرف برده داران

پسران هارپی در واقع توسط یک اتحاد برده‌داری از خارج از شهر میرین رهبری می‌شوند که شامل گروه اربابان دانایی یونکایی، اربابان بزرگ آستاپور و اربابان برده‌دار ولانتیس می‌باشند .

در رمان یک داستان فرعی بسیار بزرگتر در خصوص یونکای‌ها وجود دارد. در کتاب دنریس در خارج از میرین همچون داخل آن دشمنان مهمی دارد. از زمانی که او به تجارت برده در خلیج برده داران پایان داده است، تعدادی از شهرهای آزاد که برای پیشبرد اقتصاد خود بر تجارت برده ی شهرهای برده داری متکی اند، به یونکای قول کمک داده اند تا او را سرنگون کنند. یونکای سپاهان مزدوری چون نیزه بلند (Long Lances) ، گروه گربه (Company of the Cat) و بادزده (Windblown) را استخدام کرده است. سپاهیانی نیز از گیس جدید (New Ghis) رسیده اند.

سپاه یونکای نخست آستاپور را از کلون پادشاه قصاب (Cleon the Butcher King) ، جدیدترین حاکم آن گرفت و هزاران نفر از ساکنینش را از دم تیغ گذراند یا دوباره به بردگی فرستاد. در مجموعه تلویزیونی در فصل قبل آنچنان به این موضوع پرداخته نشد ولی در این فصل دراپیزود قبلی به بازپس گیری آستاپور توسط اربابان برده دار توسط واریس اشاره شد و در این اپیزود نیز حضور یونکای ها بیشتر و پررنگ تر شد.



زمانی که زبان والرایی دوبله می‌شود.

اینطور نشان داده می‌شود که واریس و والا در حال صحبت به زبان محلی والا هستند که این را می‌توان زمانی که واریس سعی دارد اسم پسر والا یعنی دام را تلفظ کند به وضوح دید. در اپیزود قبلی دیدیم وقتی که واریس سعی کرد دستور زبان غیرقابل درک تیریون را تصحیح کند به خوبی نشان داد که تا حدودی به زبان والرایی مسلط است. البته نمی‌توان انتظار داشت که او بتواند به تمام گویش‌های والرایی صحبت کند. حتی دنریس که به راحتی می‌تواند والرایی صحبت کند نیز حضور می‌سازد را به عنوان یک مترجم در کنارش لازم میداند. تیم تولید لهجه‌های محلی والرایی را شبیه به تفاوت بین لهجه آمریکایی و انگلیسی با لهجه ساکنین اسکاتلندی انگلیس عنوان کرده‌اند.

هر چند هر دو یعنی واریس و والا به طور مشترک به زبان والرایی صحبت می‌کنند، معلوم نیست که چرا صحبت‌های والا و واریس به زبان مشترک انجام شده است. شاید برای درک بهتر مخاطبان از صحنه صحبت‌های این دو ترجمه شده باشد.

بخش دوم : اتفاقات بارانداز پادشاه



گرگور کلگان که نباید گرگور باشد

این قسمت نشان می‌دهد هیچ پنهان کاری یا ابهامی در خصوص عضو جدید گارد پادشاهی وجود ندارد، آنها آشکارا عضو جدید گارد پادشاهی را گرگور کلگان معرفی می‌کنند که این در تضاد کامل با کتاب است. در کتاب هنوز مشخص نیست که عضو گارد پادشاهی همان گرگور کلگان باشد و حتی او به اسم مستعار سر «رابر استرونک» معرفی می‌شود، اما این نام در مجموعه نه تنها ذکر نشده است بلکه نام حقیقی او به طور آشکار توسط استاد پایسل در نشست اعضای شورای کوچک برده می‌شود که این در تضاد کامل با مجموعه کتاب است البته در وستروس تعداد افرادی با قد و قامت گرگور کلگان یا همان کوه شاید به اندازه انگلستان دو دست هم نرسد، برای همین در مجموعه کتاب زمانی که کوان لیستر برای اولین بار سر رابر استرونک را می‌بیند با خود فکر میکند که این باید همان گریگور باشد. همچنین در مجموعه کتاب برای کاهش دادن اختلاف بین دورنی ها و تاج و تخت و دلجویی از خاندان مارتل جمجمه گرگور به سان اسپیر فرستاده می‌شود.



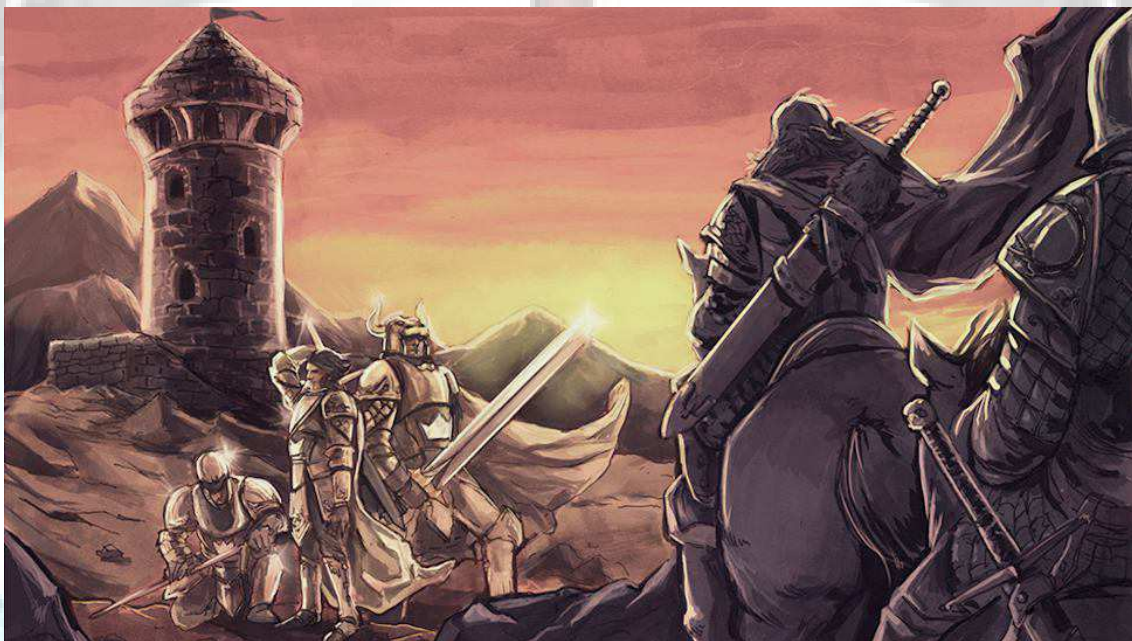
و پایان همیشگی مارتلها در سریال...

جیمی به طور مستقیم در شورای کوچک می‌گوید که «آن زن میرسلا را به قتل رسانده و خاندان مارتل را سرنگون کرده و دورن را به کنترل خود در آورده» که اشاره است به کودتای الاریا سند و یک حرکت بزرگ دیگر در جدایی از رمان است. در کتاب دوران زنده مانده است و به صلح میان خود و لیسترها تظاهر می‌کند. حال پس از این گفتگو در مجموعه تلویزیونی این واضح می‌شود که خاندان مارتل و دورن تصرف نشده است بلکه به طور کامل یک خاندان کهن و یک خاندان بزرگ در منطقه به طور کامل سرنگون شده است. در مجموعه تلویزیونی دو فرزند دیگر دوران معرفی نشدند و یک فرزند او، ترستان، نیز در اپیزود اول به دست مارهای شنزار کشته شد و این عملاً باعث انقراض «خاندان مارتل» شد .

اگر به گفتگوی جیمی و تامن در اپیزود قبل برگردیم متوجه می‌شویم که خود تامن نیز به سرسی لنیستر بخاطر مرگ ترستان مشکوک است، ولی در حقیقت این مارهای شنزار بودند که ترستان را کشتند. حالا این احتمال مطرح می‌شود که الاریا درصدد است که مرگ ترستان و حتی مرگ دوران مارتل را به گردن لنیسترها بیندازد و موضوع ترور توسط لنیسترها را به وسط بکشد تا بتواند از این طریق یعنی قتل غم‌انگیز توسط لنیسترها، حکومت را برای خود قبضه کند و یک جنگ حسابی بر علیه لنیسترها به راه بیندازد.

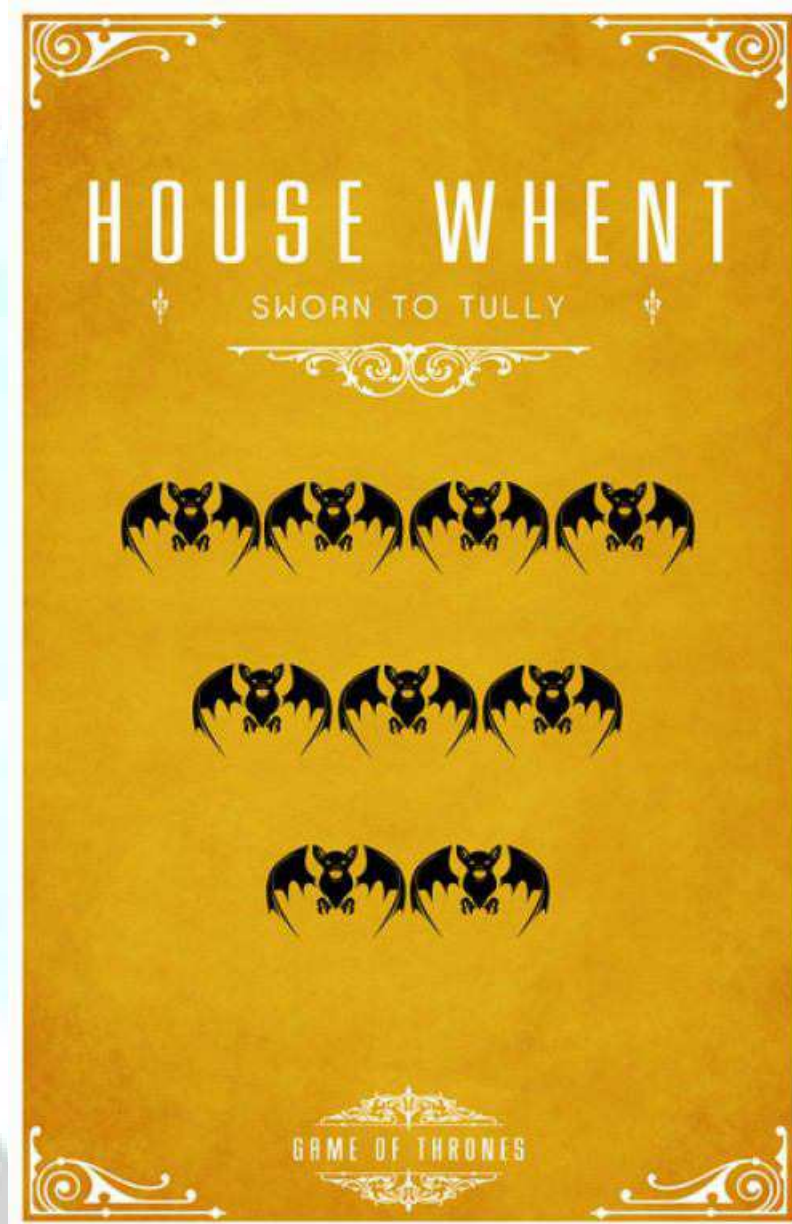
Westeros

بخش سوم : نبرد در برج شادی



اوسول ونت و جرالدهای تآوری کدام یک !!

در کتاب، سر جرالدهای تاور نیز در کنار اوسول ونت و آرتور دین در پای برج شادی با ادارد و همراهانش مبارزه می‌کند، ولی در این اپیزود فقط اوسول ونت و آرتوردین حضور داشتند و معلوم نیست لرد فرمانده سر جرالد های تاور چرا در این اپیزود حضور ندارد، این درحالی است که در اپیزود اول فصل چهارم «دو شمشیر» در صحنه‌ای اینطور یاد می‌شود که جرالد های تاور در کنار آرتور دین و اوسول ونت در نبرد برج شادی کشته شده است.



شاید جالب باشد بدانید که اوسول ونت با کاتلین تالی همسر ادارد استارک رابطه خونی دارد، چرا که مادر کاتلین در واقع یک ونت است.



توهین به یک افسانه

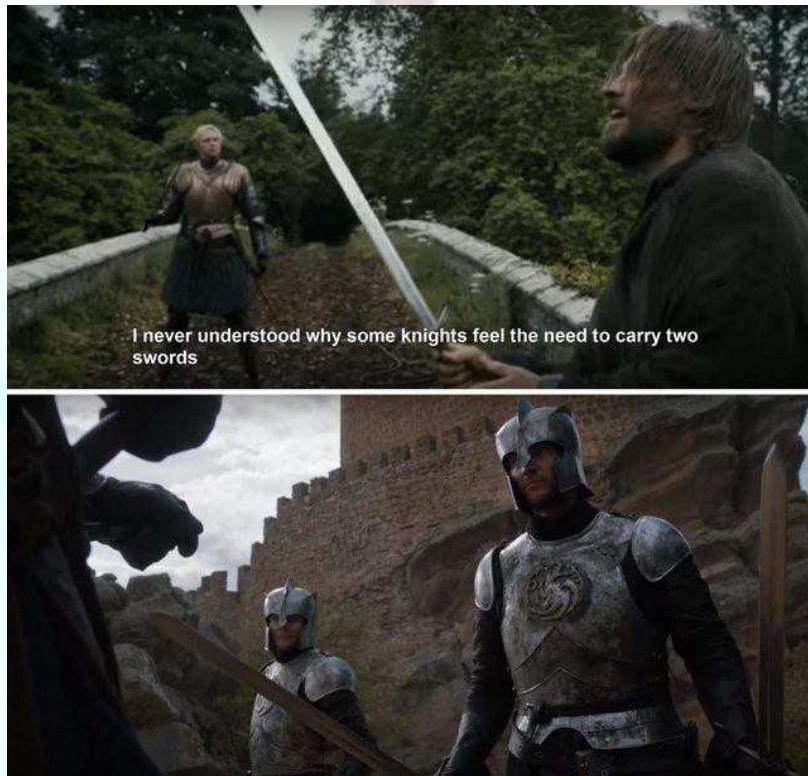
تهیه کنندگان سریال به شکل غیرمنتظره و بی معنی تصمیم گرفته اند که آرتور دین را یک جنگجوی دو شمشیره نشان بدهند، در حالی که در هیچ بخش از کتاب از آرتور دین به عنوان یک شمشیرزن دو شمشیره یاد نشده است. برای مثال زمانی جیمی برای نشان دادن قدرت آرتور دین به دیگر گاردهای پادشاه (لوراس تایرل، اوسمند کتل بلک، بیلون سوان، مرین ترنت و بروس برانت)، او را این گونه معرفی کرد.

"من از سر آرتور دین، شمشیر صبح، آموختم، کسی که می تونست با دست چپش همه ی پنج نفر شما رو بکشد"



صفحه ویژه سر آرتور دین

در قسمتی از فصل چهارم سریال زمانی که جافری در حال خواندن صفحه ویژه سر آرتور دین، در دفتر گاردپادشاهی است اگر با دقت این صفحه را بخوانید هیچ مطلبی در خصوص دو شمشیر بودن آرتور دین وجود ندارد.



فصل سوم زمانی که جیمی به این اشاره میکند که داشتن دو شمشیر توسط بعضی از شوالیه ها کار بی معنی هست.



شمشیر معروف آرتور دین در واقع یک **Greatsword** می‌باشد، این نوع شمشیرها که به دلیل وزن زیادشان و طولشان کاربر مجبور است از هر دو دست خود استفاده کند.



صبحث های در مورد جرالدهای تاور و جایگاه ویژه لردفرمانده گاردپادشاهی در شورای کوچک

در این اپیزود زمانی که جیمی اشاره میکند که لردفرمانده گاردپادشاهی حق حضور در جلسات شورای کوچک را دارد، استاد پایسل به این اشاره میکند که در دوران مد کینگ جرالدهای تاور لردفرمانده گاردپادشاهی بوده است، حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا یکی از اعضای شورای کوچک و یکی از افراد اصلی در نبرد برج شادی از سریال حذف شده است.

بر خلاف نظر پایسل، صحبت‌های جیمی لنیستر در خصوص حضور لردفرمانده گاردپادشاهی در شورای کوچک کاملاً درست است و این حضور فقط مختص به زمان دوران پادشاه دیوانه نبوده است، بلکه از زمان شکل‌گیری اولین شورای کوچک تا زمان حاضر، تمام لردهای فرمانده گارد پادشاهی جایگاه و حق رای در شورای کوچک داشته‌اند.



ونت یا های‌تاور مسئله این است !!

ادی ایر بازیگری که گمان می‌رود نقش اوسول ونت را در سریال بازی کرده است، در توئیتر خود عنوان کرده که در واقع نقش جرالدهای تاور را برعهده داشته است !! البته تنها در توئیتر شخصی او اشاره به این موضوع شده است و حتی در سایت رسمی سریال و IMDB نقشی که برعهده گرفته است ذکر نشده است. صحت این خبر نشان از انتخاب نادرست سریال می‌دهد. چرا که های‌تاور زمانی که در نبرد برج شادی حضور داشت بیش از 40 سال سن داشته است (به طور دقیق نمی‌توان سن های‌تاور را گفت چرا که زمان تولدش در کتاب ذکر نشده است ولی او در سال 259 پس از ورود آگان به منصب لردفرمانده گاردپادشاهی رسید) این در حالی است که جرالدهای‌تآوری که ظاهراً قرار بوده در سریال به نمایش درآید به مراتب از آرتور دین جوان‌تر است و از نظر سنی بسیار به اوسول ونت نزدیک است.

حتی اگر او های‌تاور باشد این سؤال مطرح می‌شود که سر ونت کجاست !! در حالی که از او در نبرد برج شادی هم در سریال و هم در کتاب یاد شده است.



عبارتی مشابه ولی از زبان دو فرد متفاوت

درست قبل از نبرد تن به تن بین آرتور دین و ند استارک، آرتور دین به ند استارک می‌گوید: « برایت آرزوی موفقیت در جنگ‌های پیش رو دارم.» این مشابه همان چیزی است که منس رایدنر قبل از اعدامش توسط استنیس براتیون به استنیس می‌گوید.



صحبت منس رایدنر با استنیس دقیقاً مشابه صحبتی است که آرتور دین با ند قبل از شروع درگیر می‌کند.



اگر در صحنه نبرد برج شادی با دقت گوش بدهید، در زیر آن فریادها می‌توانید صدای گریه ای را نیز بشنوید.



افراد حاضر در نبرد برج شادی

افرادی که در نبرد برج شادی حضور داشتند به این ترتیب بودند:

ادارد استارک و همراهانش: هالند رید، لرد ویلام داستین، ایتن گلاور، مارتین کسل، تیو وول و سر مارک رایسول

اعضای گارد پادشاهی: سر آرتور داین، سر اوسول ونت و لرد فرمانده جرالدهای تاور



شمشیری که ند تا سالها با خود حمل کرد



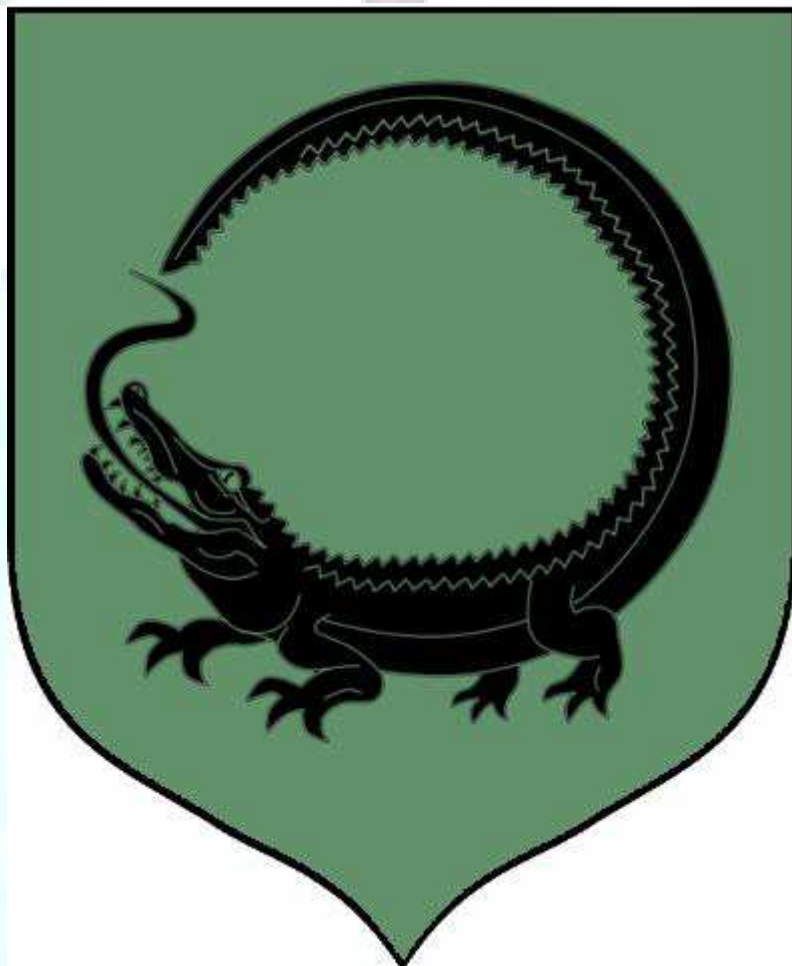
زاغی که سالها عمر کرد

زاغ سه چشم به برن استارک می گوید که او در این غار بیش از هزار سال منتظر او بوده است. هر چند حرف او هنوز تایید نشده و معلوم نیست که آیا استعاره ای در پشت این حرف بوده است یا نه ولی شواهدی در کتاب وجود دارد که زاغ سه چشم از آن چیزی که خود عنوان کرده است بسیار جوان تر است و روایت زندگیش به تاریخ نه چندان دور وستروس باز می گردد. اگر شواهد کتاب درست باشد او بسیار جوان تر از اداعای سریال است اما در هر حال او عمر طولانی کرده است .

Westeros

وستروس

بخش چهارم : نشانه شناسی سریال



جرج آر آر مارتین هیچوقت خود نشان ها و علایمی را که در کتاب ها توصیف کرده به تصویر نکشیده است. راه های زیادی برای ترسیم یک شیر (نشان خاندان لنیستر) یا یک گرگ (نشان خاندان استارک) وجود دارد. زمانی که ساخت سریال آغاز شد، طراح گرافیکست جیم استینز گفت صد ها طراحی قرون وسطایی را بررسی کرده تا نشان رسمی خاندان لنیستر را در سریال ترسیم کند. البته این به این معنا نیست که نشان خاندان لنیستر در کتاب نیز دقیقا همان طراحی را داشته باشد.

قبل از شروع پخش سریال در سال ۲۰۱۱ سایت های طرفداری معمولا طرح های خود را از علایم و نشان های خاندان ها ترسیم می کردند که به دلیل وجود تفاوت ها هیچکدام «رسمی» نبودند. یکی از معروف ترین این سایت ها وب سایت Westeros.org بود که به الیو گارسیا و لیندا آنتونسون تعلق دارد. این دو نفر اشخاصی هستند که در

نوشتن کتاب دنیای یخ و آتش به مارتین کمک کردند. (البته آن ها نیز نشان رسمی طراحی نکردند.) سایت Westeros.org دانشنامه ی یخ و آتش را نیز به وجود آورد که بزرگ ترین دانشنامه مربوط به کتاب است. (البته این دانشنامه نیمه رسمی است.) همچنین لازم به ذکر است سایت Westeros.ir نیز سایت خواهر Westeros.org می باشد و به طور رسمی با این سایت و تیم مدیریت این سایت در حال همکاری است، هرچند که باید اشاره کرد هیچکدام از این دو دانشنامه کاملاً رسمی نیستند. از زمان پیش از شروع به پخش سریال دانشنامه ی یخ و آتش طراحی های حرفه ای و نیمه حرفه ای طرفداران را در سایت خود قرار داده است که برخی از آن ها نشان های خاندان های داستان هستند که سعی شده است حداکثر شباهت را با توصیفات کتاب داشته باشند.

اگر توجه کنید در این اپیزود سریال، متوجه سنجاق سینه ای با شکل یه شیر-مارمولک (نوعی کروکودیل) می شوید که روی شل هاوُلند رید بسته شده است. این شکل نشان خاندان رید است. نکته ی جالب اینجا است که طراحی این سنجاق سینه دقیقاً مشابه طراحی نماد خاندان رید است که در دانشنامه ی یخ و آتش و در مقاله «خاندان رید» از نوامبر سال ۲۰۱۲ استفاده شده. (یعنی بیش از سه سال قبل از ساختن این اپیزود) توجه کنید که حتی کوچک ترین جزئیات نیز مانند همان طراحی دانشنامه است: از شکل حلقه مانند شیر-مارمولک گرفته تا زبان بلند و آتشین آن که دقیقاً در همان نقطه و زاویه خم شده و حتی وجود سه انگشت در هر پای آن.

مشابه همین موضوع در فصل پنجم سریال نیز رخ داد. به نشان خاندان استوک ورث توجه کنید که روی لباس لولیس استوک ورث نقش بسته است که به شکل بره ای است که جامی در دست دارد. این طراحی نیز دقیقاً مشابه طراحی غیررسمی است که در دانشنامه ی یخ و آتش در مقاله ی «خاندان استوک ورث» استفاده شده و در سال ۲۰۱۴ در این مقاله قرار گرفته. این جدیدترین نسخه از طراحی نشان خاندان استوک ورث است که در آن برّه نشسته و به سمت چپ نگاه می کند و با بازوانش جام را در دست گرفته. در طراحی های قبلی این نشان در دانشنامه، برّه به سمت راست نگاه می کند و روی پاهای خود ایستاده است. این نشان می دهد که یک نشان را می توان به چند روش طراحی کرد.

تنها نتیجه ای که می توان از این موضوع گرفت این است که تیم تولید سریال از حدود فصل چهارم سریال به بعد شدیداً دانشنامه ی یخ و آتش را در بخش طراحی های نشان ها مطالعه کرده اند تا سریال تا حد ممکن به توصیفات کتاب نزدیک شود. هرچند که جای تعجب است که با این همه دقت در طراحی نشان های خاندان ها چرا به چهره پردازی بازیگر ها توجه نشده. مثل یورون گریجوی که چشم بند ندارد یا رنگ چشمان تارگرین ها که باید بنفش می بود.

این موضوع به این معنا است که هیچ طراحی در دانشنامه یخ و آتش قرار نمی گیرد مگر این که بالاترین کیفیت و دقت را داشته باشد. و درواقع تنها تفاوت یک طراحی توسط یک هوادار و یک طراحی رسمی این است که مارتین اجازه دهد آن طراحی در کتابی چاپ شود یا در تقویمی استفاده بشود یا نه.



نشان خاندان رید مشابه آن چیزی است که فن‌ها طراحی کرده‌اند.

بخش پنجم : آریا ناینا



لیست مرگ آریا استارک نسبت به فصل چهارم کاهش پیدا کرده است به دلیل که افرادی چون جافری براتیون، تایوین لایستر و مرین ترنت همگی کشته شده اند و تنها سرسی لایستر و گرگور کلگان و والد فری باقی مانده اند در لیست او هنوز افرادی چون لیتل فینگر ، روس و رمزی بولتون و حتی گریجوی ها اضافه نشده است چرا که او هنوز نمی داند که آنها با خانواده اش چه کرده اند.

سر الین پین نیز در فهرست آریا حضور داشت ولی بخاطر بیماری بازیگر شخصت پین در فصل دوم، این اسم بدون هیچ سر و صدایی از لیست آریا حذف شد و معلوم نیست که آیا در آینده این شخصیت در مجموعه تلویزیونی توسط کس دیگری اجرا خواهد شد یا نه.

در کتاب والد فری به صراحت در لیست آریا قرار ندارد، هر چند در کتاب آریا تمایل داشت نام فری ها را نیز به لیستش اضافه کند ولی نام کسانی را که مسئول مرگ برادرش و مسئول عروسی سرخ بودند را نمی دانست. البته اگر آریا قرار باشد نام فری های مقصر در عروسی سرخ را به لیستش اضافه کند لیستش بیشتر از نام والد فری باید در خود جا بدهد.

در رمان کسانی که از لیست مرگ آریا هنوز زنده مانده اند، افراد زیر هستند:

-سر ایلین پین

-سر مرین ترانت (که جایش با راف در مجموعه تلویزیونی عوض شد و آریا او در فصل قبل کشت).

-ملکه سرسی

-دانشن (یکی از مردان کوه، به غیر از نام دانشن نام سه تن دیگر از افراد کوه به نام پولیور و راف هم وجود دارد)

-راف عزیز دردونه

بخش ششم: بچه گیلی، و معمای گذر زمان در سریال



گیلی می گوید که کاپیتان کشتی به او گفته است که اولدتان زیباترین شهر در وستروس است . در کتاب این حرف تا حدودی درست است. اولدتان تنها کمی کوچکتر از باراندازپادشاه است، اما به عنوان قدیمی ترین شهر وستروس نیز شناخته می شود. این شهر 6000 سال قبل تاسیس شده است در حالی که باراندازپادشاه تنها پس از ورود تارگرین ها، به صورت یک پایتخت تازه تاسیس شناخته شد و بیش از 300 سال قدمت ندارد. برای همین در شهری مثل باراندازه پادشاه شاهد مناطق زاغه نشین و کثیفی چون چاله ی کک هستیم. این در حالی است که اولدتان یک شهر با برنامه ریزی است، خود شهر به شکل خیره کننده ای زیباست؛ رودخانه ها و کانال های بسیاری با خیابان های سنگ فرشش در تقاطع اند، و عمارت های سنگی با زیبایی نفس گیر در آنجا عادی است. جالب است بدانید که اولدتان از جمله شهرهایی است که تا به امروز هیچ جنگی را در نزدیکی خود ندیده است، چه در زمان هجوم اندال، چه در زمان فتوحات اگان، و چه در زمان نبرد پنج پادشاهی هیچ جنگی در نزدیکی این شهر خارق العاده رخ نداده است.

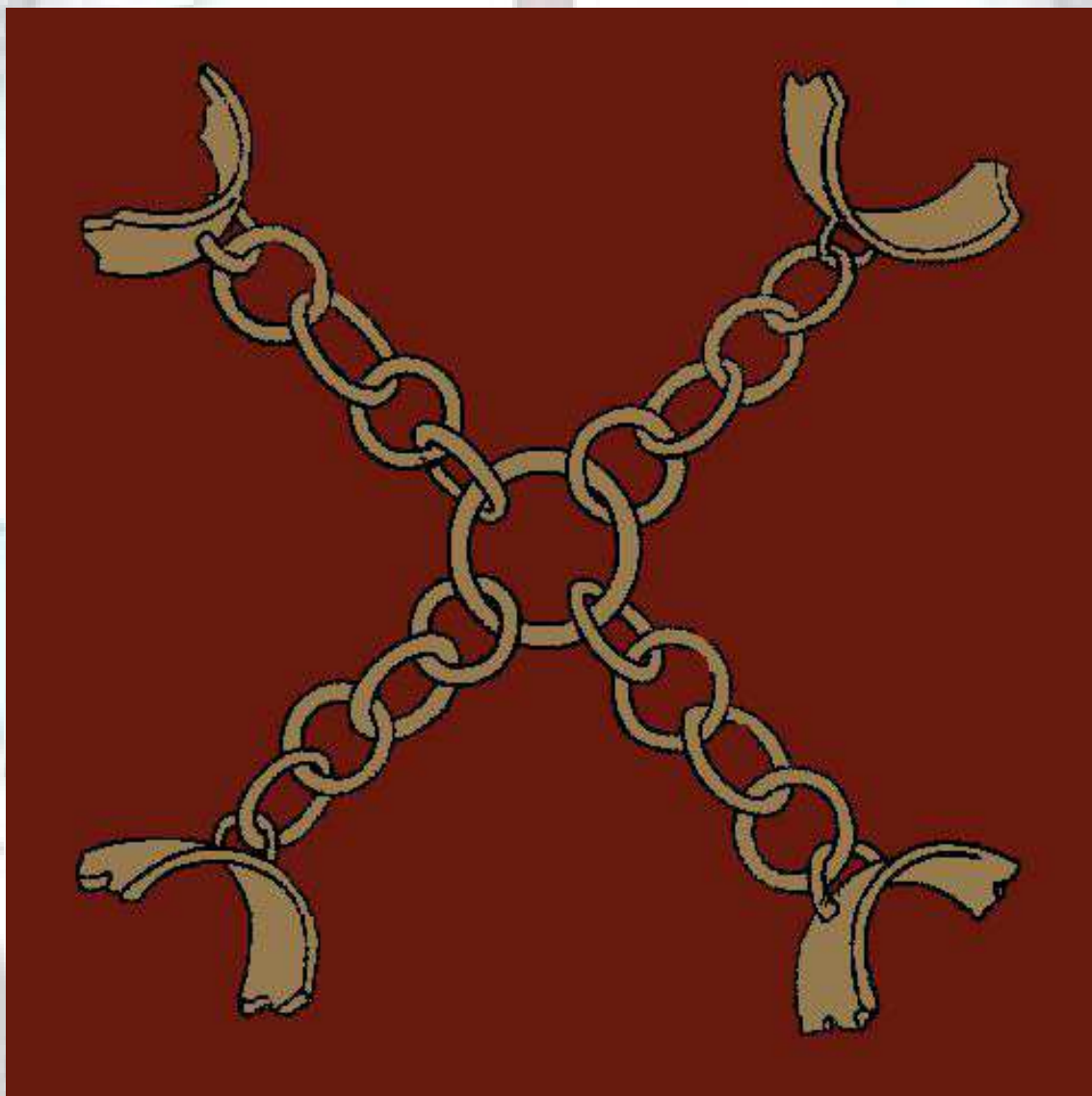
با توجه به گذر زمان در کتاب، یک موضوع مهم در این اپیزود اتفاق افتاد و آن هم حضور مجدد پسر گیلی بود. نویسندگان سریال گذر زمان را دقیقاً مطابق دنیای کتاب رعایت نکرده اند. (فهرست مربوط به همه کتابها سن فعلی کاراکترهای کودک را لیست کرده است). در کتابها، تقریباً دو سال از زمان شروع کتاب تازمان عروسی خونین در نیمه های کتاب سوم، می گذرد. به خاطر طولانی بودن کتاب سوم، دو فصل 3 و 4 به این کتاب اختصاص یافت و عروسی خونینی در انتهای فصل سوم تصویر شد. به هر صورت گفتگوهای سریال تصریح می کنند که داستان سیزن 2 در مدت یکسال گذشته است و همچنین مستقیماً بیان می شود که قبل از عروسی خونین، جنگ برای دو سال ادامه داشته است (از پایان فصل 1)

از فصل 4 به بعد، در سریال اعلام نشده است که چه مدت زمانی گذشته است: شاید با توجه به گذر زمان و بزرگ شدن بازیگران خردسال، حوادث هر فصل یکساله در نظر گرفته شده اند، شاید هم بدون اینکه به صورت واضح مطرح شود، گذر زمان در سریال کندتر شده است. در سریال، پسر گیلی در فصل سوم به دنیا آمد و اگر فرض هر فصل یک سال در مورد سریال صدق کند، او در فصل 6 باید تقریباً 3 سال داشته باشد نه یک نوزاد یا یک نوپا که تازه شروع به راه رفتن کرده است.

از طرف دیگر هرگز در سریال مطرح نشده است که گذر زمان به طور ناگهانی کند می شود و به طور ضمنی از گفتگوها می توانیم برداشت کنیم که گذر زمان مشابه فصول اولیه است: مثلاً در فصل 5 میرسلا می گوید که او سالهاست که در دورن اقامت دارد که به نظر می آید حداقل به سه سال اشاره دارد. تنها اشاره مستقیم دیگر به گذر زمان جایی است که روس بولتون در عروسی خونین اشاره می کند که قصد دارد با والد فری چاق ازدواج کند و والد فری در فصل 5 اشار می کند که حامله است، البته این موضوع نامشخص است که آنها دقیقاً چه زمانی ازدواج کردند و او کی باردار شده است اما او در فصل 6 بچه اش را به دنیا آورده است پس در این زمان حداقل نه ماه تا یک سال از عروسی خونین گذشته است. پسر گیلی کمی پیش از آن در فصل سوم به دنیا آمد (آخرین جایی که زمان مشخصی اعلام شد) پس الان حداقل باید یکسال داشته باشد .

این اپیزود درباره این موضوع ابهاماتی داشت: واضح است که سن نوزاد مثل فصلهای پیش حدود یکسال نیست. اما سر پر مو و چهره ای شبیه کودکان بین دو تا سه سال دارد. ابهامی دیگر درباره اینکه واقعا چه مدتی از زمان فصل 3 گذشته است.

بخش هفتم: تحریف شمال و تحریف یک خاندان بزرگ



در این اپیزود شاهد حضور خاندان آمبر در سریال بودیم، ولی نه به آن شکلی که در کتاب حضور دارند. در کتاب لرد خاندان آمبر «جان بزرگ» در طی عروسی سرخ توسط خاندان فری دستگیر می‌شود و بعد از دستگیری او لنیسترها با تحت فشار قراردادن خاندان آمبر که در آن زمان رهبریش برعهده عموی او «هوتر کشنده ی فاحشه‌ها!» بود آنها را مجبور میکنند که با اکراه با لرد فعلی شمال یعنی روس بولتون پیمان صلح ببندند. هر چند سرسی نسبت به این پیمان اصلاً خوشبین نیست و این تا حدودی درست است چرا که باربری داستین در طول کتاب می‌گوید که هوتر دوست داره هوستین و اینیس فری رو بکشد ولی به خاطر جان بزرگ که در اسارت فری‌هاست اینکار را نمی‌کند. از سوی

دیگر برادر او مورش آمبر از معدود شمالی‌هایی است که در طول آزادسازی شمال به دست استنیس به لشکر استنیس پیوسته است. البته او شرطهایی هم برای پیوستن به استنیس داشت مثلاً او مجموعه منس راید را میخواست تا از داخل او نوشیدنی بنوشد، همچنین از استنیس قول بخشیده شدن برادرش هوت را خواست و تاکید کرد که هیچ وقت یک آمبر با یک آمبر دیگر نخواهد جنگید. به همین علت است که او از جنگیدن در برابر برادرش خودداری میکند در نتیجه جان به استنیس پیشنهاد می‌کند اگر پرچم آمبرها را طرف بولتون‌ها دید نیروهای مورش را جلوی هوتر بگذارد تا جنگی بین آنها رخ ندهد و در حالت خنثی قرار بگیرند. پسر «جان آمبر» یعنی «جان کوچک» هم در طول عروسی سرخ به دست فری‌ها کشته شد. با همه اینها در این اپیزود شاهد حضور یکی از اعضای خاندان آمبر یعنی جان کوچک هستیم کسی که در سریال نمرده است و همچنین خبر میدهد که پدرش یعنی «جان بزرگ» از دنیا رفته است. حالا قدرت خاندانش به او منتقل شده و او قصد دارد به صورت بسیار داوطلبانه به نیروهای بولتون بپیوندد!!

در کتاب پنجم زمانی که ریک از سیاهچال خارج می‌شود و نزد رمسی بولتون میرود در آنجا با دو لرد شمالی برخورد می‌کند که اسمی از آنها برده نشده است ولی براساس توصیفات ظاهری گویا آنها هوتر آمبر و آرنولف کاراستارک هستند که در حال چیدن توطئه کارهولد هستند.

دستگیری اوشا و ریکان استارک توسط آمبرها تا کنون در کتاب رخ نداده است، و احتمال نیز میرود که این اتفاق در کتاب به وقوع نپیوندد، چرا که همانطور که پیش از این گفته شد اعضای خاندان آمبر نسبت به بولتون‌ها وفادار نیستند و از سوی دیگر آنها هیچ خبری در خصوص مکان فعلی ریکان استارک ندارند. تنها وایمن مندرلی و رابرت گلاور از وکس پایک خواندند (چرا که او نمی‌تواند حرف بزند) که در طول غارت وینترفیل ریکان از وینترفیل فرار کرده و گویا ریکان و اوشا به جزیره‌ی اسکاگوس فرار کرده‌اند. از طرف دیگر لرد مندرلی نیز به داووس می‌گوید که اگر خواستار اتحاد او با استنیس است باید ریکان استارک را به نزد او بیاورد تا مندرلی‌ها در کنار استنیس قرار بگیرند.

ریکان استارک، اوشا، و شگی‌داگ پس از ناپدید شدن در فصل سوم اپیزود «باران بر کستمیر» دوباره در این اپیزود به سریال بازگشتند.

یک توضیح کوتاه برای کسانی که ریکان استارک را فراموش کرده‌اند: ریکان استارک جوانترین فرزند ادارد (Eddard) و کتلین (Catelyn) است که در آغاز داستان (در کتاب البته) تنها سه سال دارد. ریکان ذاتاً کودکی ستیزه‌جو و با اراده است، اما سن و سال کمش، کنار آمدن با تغییرات سختی که در خانواده و زندگی‌اش به وجود آمده، را برای او مشکل می‌سازد. او معمولاً همراه دایرولفش (Direwolf)، شگی‌داگ (Shaggydog) است.

بخش ششم: بازگشت از هیچی



اد به رنگ چشم جان اشاره میکند و می گوید که به نظر خودت اون تو هستی و زنده هستی. این حرف اد به تبدیل شدن مرده ها به وایت های چشم آبی اشاره دارد.



اعدامهای اشتباهی

در اپیزود دهم فصل پنجم «بخشش مادر» جان اسنو حداقل از شش نفر مختلف چاقو خورد. حال در این اپیزود میبینیم که جان اسنو فقط چهار نفر از این شش نفر یعنی آلیسر تورن، اولیی، بوون مارش و آتل یارویک را به چوبه اعدام می سپارد. اینکه چرا فقط این چهار نفر اعدام شدند هنوز مشخص نشده است. احتمال دارد اشتباهی در روایت داستان وجود داشته باشد یا اینکه آن دو نفر باقی مانده بعدا اعدام شوند و یا بخشیده شده باشند !!



شش ضربه چاقوی که در فصل پنجم جان اسنو دریافت کرد.



شوخی تورمند با جان اسنو، نقل قولی از کتاب که در سریال حذف شد.

شوخی تورمند با جان اسنو، اشاره‌ای است به کتاب سوم زمانی که تورمند جان را تشویق می‌کرد که با ایگریت رابطه داشته باشد. او نمی‌توانست بی میلی جان را درک کند، برای همین به شوخی به جان گفت ایا شما بعضی از عضوهاتون رو قطع کردید؟



ترک خدمتی که حکمش اعدام است!

ترک نگهداری شب غیرممکن است، زمانی که هر نگهداران قسمش را میخورد وظیفه دارد تا آخرین روز زندگیش به این قسم پایبند باشد. از سوی دیگر انتخاب شدن هر لردفرمانده قوانین خود را دارد هیچ لردی نمیتواند به صورت نیابتی مسئولیت خود را به کس دیگر بدهد.

پایان.

اعضا تیم پادکست وستروس کاربرها S.I.S, SaWhar, ریگار, winterfell, Stannis Baratheon, Daemon Blackfyre

و با تشکر ویژه از همایون صفرزاده و طلا مهمانی

Westeros